



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷

شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸



تأثیر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته با تأکید بر کنترل فساد

فاطمه مرادی*، محمد جعفری^{ID}**، شهرام فتاحی***

* دانشجوی دکترا، اقتصاد بخش عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، ایران

** دانشیار، اقتصاد بخش عمومی، دانشکده علوم اقتصاد و اداری، دانشگاه لرستان، ایران (نویسنده مسئول)

*** دانشیار اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: <i>C30, O15, D73</i>
تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری: ۱۶ مرداد ۱۴۰۰	حکمرانی خوب، کنترل فساد، ثبات سیاسی، نابرابری درآمد، پانل
تاریخ پذیرش: ۸ شهریور ۱۴۰۰	کوانتایل پویا
ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:	آدرس پستی:
ایمیل: jafari.moh@lu.ac.ir	استان لرستان - شهرستان خرم‌آباد - کیلومتر ۵ جاده تهران - دانشگاه
0000-0001-5237-0941 ^{ID}	لرستان، دانشکده علوم اقتصاد و اداری، گروه اقتصاد، کد پستی: ۶۸۱۵۱- ۴۴۳۱۶

اطلاعات تکمیلی:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکتری خانم فاطمه مرادی در رشته اقتصاد بخش عمومی به راهنمایی محمد جعفری و شهرام فتاحی در دانشگاه لرستان است.

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.

منابع مالی: نویسندگان هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

توزیع نابرابر درآمد در جامعه موجب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور خواهد شد، به همین دلیل یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها توزیع مناسب درآمد در جامعه است. دولت‌ها برای رفع نابرابری درآمد راه‌حل‌های کوتاه‌مدت توصیه می‌کنند، در حالی که اجرای این سیاست‌های کوتاه‌مدت بدون شناخت عوامل تأثیرگذار می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد داشته باشد. به همین منظور برای مقابله با مشکل نابرابری درآمد و برقراری توزیع عادلانه درآمد لازم است عوامل مؤثر بر آن را شناسایی کرد و سیاست‌های مناسب و کارآ در راستای بهبود توزیع درآمد اتخاذ شود. با توجه به روند فزاینده نابرابری درآمد، نرخ بالای بیکاری و ناکارآمدی اقتصادی در جوامع مختلف به ویژه در کشورهای در حال توسعه و نقش ویژه دولت در جهت رسیدن به توزیع مناسب و عادلانه درآمد، مطرح کردن موضوع حکمرانی خوب نیاز است. براساس بانک جهانی، حکمرانی خوب از شش شاخص؛ کنترل فساد، کارایی و اثر بخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت قانون و مقررات، حاکمیت قانون و حق اظهار نظر و پاسخگویی تشکیل شده است که متغیر کنترل فساد، یکی از مهم‌ترین اجزای آن به شمار می‌آید. این پژوهش یکی از مطالعات اولیه‌ای است که نسبت به سایر مطالعات از سه جنبه تکنیکی، منطقه‌ای و زمانی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. هدف از این پژوهش بررسی اثر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته؛ با تأکید بر کنترل فساد طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ می‌باشد. در این پژوهش از سه شاخص ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد به عنوان حکمرانی خوب استفاده شده است با استفاده از رگرسیون پانل کوانتایل پویا، از یک طرف به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد پرداخته و از طرف دیگر اثر درآمدهای مالیاتی به همراه نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیرهای ابزار بر نابرابری درآمد بررسی شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیون پانل کوانتایل پویا نشان می‌دهد که کنترل فساد و حاکمیت قانون در هر دو گروه کشورها در چارک‌های ۲۵، ۵۰ و ۷۵ به ترتیب اثر مثبت و منفی و معناداری بر نابرابری درآمد دارند. ثبات سیاسی نیز در هر دو گروه کشورها در چارک‌های ۲۵ و ۵۰ اثر منفی و در چارک ۷۵ اثر مثبت و معناداری دارد، همچنین درآمدهای مالیاتی، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی سرانه در چارک‌های مذکور در کشورهای منتخب اثرات متفاوتی بر نابرابری درآمد دارند.

ارجاع به مقاله:

مرادی، فاطمه، جعفری، محمد و فتاحی، شهرام. (۱۴۰۲). تأثیر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته؛ با تأکید بر کنترل فساد. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۳۰(۳)، ۱۱۰-۱۳۵.

doi: 10.22055/jqe.2021.37420.2374



© 2023 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

۱- مقدمه

در طول دو دهه‌ی اخیر، نابرابری درآمد در سطح جهانی افزایش یافته است، به طوری که در محافل سیاسی به دلیل پیامدهای آن بر رشد اقتصادی و ثبات اقتصادی بسیار قابل توجه قرار گرفته است. توزیع نابرابر بیشتر از بی‌عدالتی اقتصادی، فرصت‌های نابرابر و بی‌ثباتی اجتماعی نشأت می‌گیرد و همچنین از بی‌ثباتی سیاسی، نابرابری قدرت سیاسی و بحران‌های مالی به وجود می‌آید. بنابراین توزیع نابرابر در هر کشور به اقتصاد، اجتماع و تحولات سیاسی آن صدمه می‌زند. در حقیقت، «چگونه می‌توان نابرابری درآمد را بهبود بخشید»، برای بسیاری از کشورها به یک فریاد نبرد تبدیل شده است (Chiu & Lee, 2019). یکی از مسائل مهم، بحث ناشی از نابرابری درآمد مرتبط با رشد اقتصادی بالاتر در کشورهای با درآمد بالا است اما مانع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. علاوه بر این، نرخ نابرابری درآمد در سراسر کشورها به طور متفاوت رشد کرده است، این نشان‌دهنده‌ی این است که زمینه‌های ملی و ساختاری بر مسیر نابرابری تأثیر می‌گذارد (Bojanic & Collins, 2019). از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد که می‌تواند منجر به اقدامات مناسب کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به رشد اقتصادی آنها کمک کند، مهم و ضروری است. حکمرانی خوب به مفهوم مجموعه‌ای از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها است که جامعه بوسیله آن از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی، مسائل اقتصاد، سیاست و اجتماعی خود را مدیریت می‌کند (Badesar, 2020). در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر از حکمرانی خوب استفاده شده است، در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید روی کار آمد که مسائل فراتر از دولت را دربرگرفت. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه دولت^۱ بکار رفته است. اما در طول دهه‌های بعدی اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت استفاده کردند. در حقیقت، حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد که نتیجه مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که برای رسیدن به توزیع برابر درآمد و رشد اقتصادی به هر سه آنها نیاز است (Moradi & Salmanpour, 2017). حال با توجه به مشکلاتی از قبیل

¹ Government

فقر، فساد، تبعیض، بیکاری، تخصیص نادرست منابع، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و نرخ بالای تورم که بسیاری از کشورها به دلیل مسئله‌ی توزیع نابرابر درآمد با آنها مواجه هستند، لازم است که عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد شناسایی شود و راهکارهای مناسب برای حل این مسئله اتخاذ شود. به همین دلیل توجه به شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله کنترل فساد ضرورت پیدا می‌کند تا کشورها به بازسازی دولت به طور اساسی بپردازند. توجه به نقش شاخص‌های حکمرانی خوب نبود آن به خصوص در کشورهای در حال توسعه و تأثیر آن بر توزیع درآمد که یکی از مهم‌ترین اهداف دولت‌ها به شمار می‌رود، بسیار با اهمیت و ضروری است. از این رو، هدف عمده این تحقیق، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد با تأکید بر کنترل فساد با استفاده از روش رگرسیون پانل کوانتایل پویا طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۰ برای کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته است که داده‌ها و اطلاعات لازم برای پژوهش از طریق سایت‌های اینترنتی از جمله شاخص توسعه جهانی^۲ و شاخص‌های حکمرانی در جهان^۳ (۲۰۱۸) تهیه شده است. با توجه به هدف این مقاله، سوال اصلی این است که آیا شاخص‌های حکمرانی خوب به ویژه کنترل فساد می‌توانند باعث بهبود در توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته شوند؟

ادامه مقاله به شرح زیر سامان‌دهی شده است:

بخش دوم به ادبیات موضوع که در این بخش به مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق پرداخته می‌شود، بخش سوم به روش‌شناسی پژوهش و معرفی متغیرها، بخش چهارم ارائه نتایج و تحلیل آن و بخش پنجم به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص یافته است.

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱- پژوهش‌های خارجی

تاکنون ادبیات مطالعات بسیاری در زمینه حکمرانی خوب و نابرابری درآمد صورت گرفته است، مطالعات خارجی مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند که نتایج مختلفی را به دست آورده‌اند و در زیر به برخی از آنها اشاره شده است:

² World Development Indicator(WDI)

³ Worldwide Governance Indictors(WGI)

باگات و ویتتری (۲۰۲۰) با استفاده از رگرسیون پانل به بررسی رشد اقتصادی، نابرابری درآمد و حاکمیت قانون برای ۱۳۴ کشور و دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۸۴ پرداخته‌اند. آنها رابطه مثبتی بین حاکمیت قانون و تولید ناخالص داخلی سرانه یافتند، که این رابطه مثبت با گذشت زمان قوی‌تر می‌شود. همچنین بیان می‌کنند، در کشورهایی که پیروی بیشتری از حاکمیت قانون دارند، نابرابری درآمد کمتر است و کشورهای دارای تولید ناخالص داخلی سرانه بالاتر با نابرابری درآمد کمتری مواجه هستند. با این حال، زمانی که حاکمیت قانون در این کشورها کنترل شود، این رابطه منفی بین تولید ناخالص داخلی سرانه و نابرابری درآمد مشاهده نمی‌شود. این موضوع، نقش حاکمیت قانون در کاهش نابرابری درآمد مشاهده نمی‌شود. این موضوع، نقش حاکمیت قانون در کاهش نابرابری درآمد را نشان می‌دهد (Bhagat & Wittry, 2020).

اپستین و گانگ (۲۰۱۹) در ارتباط با نابرابری، حکمرانی خوب و فساد همه‌گیر بیان کرده‌اند که بسیاری از افراد با فرار از پرداخت مالیات، توانایی توسعه اقتصادی دولت را محدود می‌کنند و در مواجهه با فساد گسترده برای ایجاد و اجرای سیاست‌هایی که حکمرانی خوب را نشان دهند، چالش‌هایی وجود دارد. آنها پیشنهاد می‌کنند که دولت باید یک سیاست مدیریت مالیاتی مؤثر طراحی کند تا فساد را به حداقل برساند و نسبت به نیازهای حال و آینده جامعه حساس باشد و برای انجام این کار، باید آنچه که باعث گستردگی فساد می‌شود را در نظر بگیرند (Epstein & Gang, 2019).

بوژانیک و کالینز (۲۰۱۹) با استفاده از مجموعه داده‌های پانلی از کشورهای عضو OECD و کشورهای غیر OECD از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ به اثرات تمرکز زدایی بر نابرابری درآمد پرداخته‌اند. آنها بیان می‌کنند که تمرکز زدایی، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد، اما این اثر کاهش سرانجام با افزایش پیشرفت اقتصادی معکوس می‌شود و این حاکی از آن است که آستانه‌ای وجود دارد که در آن درآمدهای برابر تمرکز زدایی محقق می‌شود. همچنین، آنها یافتند که آستانه توسعه که در آن تمرکز زدایی بیشتر وجود دارد کاهش بیشتر نابرابری برای کشورهای غیر عضو OECD کمتر از کشورهای عضو OECD است. نتایج نشان می‌دهد که اثر نهایی تمرکز زدایی بر نابرابری درآمد در ابعاد دیگر به میزان تمرکز زدایی بستگی دارد (Bojanic & Collins, 2019).

چیو و لی (۲۰۱۹) در تحقیقی اثرات غیرخطی توسعه مالی و خطرات کشوری ناشی از نابرابری درآمد وقتی که ریسک کشورها از طریق نمونه گسترده ۵۹ کشور برای دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۵ تعیین شده را بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که روابط بین نابرابری درآمد، توسعه مالی

و خطرات کشور درجات مختلف ریسک کشور است. برای نمونه کامل، شواهدی از فرضیه گسترش نابرابری در شرایط ناپایداری اقتصادی، ثبات مالی و محیط‌های سیاسی پایدار پیدا کردند. برای نمونه‌های فرعی، در محیط‌های مالی، درآمدهای بالا نابرابری درآمدی کشورها می‌تواند از طریق توسعه مالی بهبود یابد. آنها در نهایت بیان می‌کنند که در کشورهای با درآمد پایین رابطه‌ی مثبتی بین توسعه مالی و نابرابری وجود دارد (Chiu & Lee, 2019).

هانگ و هونگ هو (۲۰۱۸) با تجزیه و تحلیل داده‌های پانلی در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ به بررسی اثر کیفیت حکمرانی (از جمله کیفیت دموکراتیک و کیفیت فنی) بر نابرابری درآمد در ده کشور آسیایی که به اقتصادهای پیشرفته و بازار نو ظهور و اقتصادهای در حال توسعه دسته‌بندی کرده‌اند، پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان داد که کیفیت دموکراتیک و کیفیت فنی بر نابرابری درآمد در بازارهای نو ظهور و اقتصادهای در حال توسعه اثری منفی و معناداری دارند. در اقتصادهای پیشرفته، اثرات کیفیت دموکراتیک و کیفیت فنی بر نابرابری درآمد به ترتیب مثبت و بی‌معنا و مثبت و معنادار است. نتایج آنها حاکی از آن است که حکمرانی خوب برای کاهش نابرابری درآمد در اقتصادهای در حال توسعه و بازارهای نو ظهور مفید است، اما ممکن است برای اقتصادهای پیشرفته مؤثر نباشد (Huang & Hong Ho, 2018).

اوسلاتی و لیبیدی (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای رشد، نابرابری و حکمرانی در کشورهای منتخب منا را بررسی کرده‌اند. آنها ۲۲ کشور از منطقه منا برای دوره زمانی ۲۰۱۰ - ۱۹۹۶ در نظر گرفتند و با استفاده از تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم یافته^۴ پانل پویا به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی مثبت بین رشد و نابرابری درآمد وجود دارد در حالی که بین رشد و حکمرانی برای شاخص‌های کنترل فساد و حق اظهارنظر و پاسخگویی رابطه‌ای وجود ندارد. رابطه‌ی معکوس، که به دنبال تعیین اثر رشد و حکمرانی بر نابرابری درآمد می‌باشد، تنها از طریق متغیر رشد ارائه شده و همبستگی مثبتی با نابرابری درآمد دارد (Ouselati & Labidi, 2015).

۲-۲- پژوهش‌های داخلی

در مطالعات داخلی در مورد اثر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد پژوهش زیادی صورت نگرفته، اما پژوهش‌هایی در مورد حکمرانی خوب و توزیع درآمد به صورت مجزا صورت گرفته که می‌توان به برخی از آنها به صورت زیر اشاره کرد:

⁴ Generalized Method of Moments (GMM)

مرادی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از روش Panel Var، اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد را در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۴ بین کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا بررسی کردند. طبق نتایج پژوهش آنها، متغیر کیفیت قوانین و مقررات رابطه مثبت و متغیر کارایی و اثر بخشی دولت رابطه منفی و معناداری بر کنترل فساد در کشورهای خاورمیانه دارند؛ این در حالی است که متغیرهای ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و حق اظهارنظر و پاسخگویی در کشورهای جنوب شرق آسیا اثر مثبت و معناداری بر کنترل فساد دارند (Moradi, et al., 2017).

زاینده‌رودی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد با استفاده از پانل داده‌ها طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۹ برای کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا پرداخته است. نتایج آنها نشان‌دهنده اثر منفی و معنادار شاخص‌های کیفیت حکمرانی، ثبات سیاسی و اثربخشی دولت بر کاهش نابرابری است (Zayandehroudi, et al., 2017).

مرادی و سلمانپور (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی اثر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب با استفاده از روش رگرسیون داده‌های پانل با اثرات ثابت برای دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. آنها یافتند که همه شاخص‌های حکمرانی خوب به جز شاخص کنترل فساد اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی کشورهای مورد نظر دارند و افزایش این متغیرها باعث تساو در توزیع درآمد می‌شوند. همچنین بیان می‌کنند که شاخص کنترل فساد به همراه متغیرهای دیگر که به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند، از جمله درآمدهای مالیاتی دولت و نرخ تورم و بیکاری اثر مثبت و معناداری بر نابرابری توزیع درآمد این کشورها دارند (Moradi & Salmanpour, 2017).

ادیب‌پور و محمدی ویایی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد به بررسی اثر فساد اقتصادی بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در دو گروه از کشورهای با درآمد بالا شامل آلمان، ایتالیا، کانادا، فرانسه و ژاپن و کشورهای با درآمد متوسط شامل ایران، مالزی، چین، هند و ترکیه طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. آنها با استفاده از الگوی داده‌های تلفیقی نشان دادند که فساد اثر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد، به این معنا که با افزایش فساد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها نابرابری درآمد افزایش خواهد یافت. همچنین، نتایج آنها حاکی از آن است که اثر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا منفی و برای کشورهای با درآمد متوسط مثبت است و مالیات و

نرخ بیکاری به ترتیب اثر منفی و مثبت و معناداری بر نابرابری توزیع درآمد دارند (Adibopour & Mohammadi Viaei, 2015).

خسرو آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به رابطه حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه با استفاده از روش پانل داده‌ها طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۹ می‌پردازند. آنها یافتند که شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در گروه کشورهای منتخب اثری منفی دارند، به طوری که این شاخص‌ها باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شوند که در نهایت به کاهش نابرابری توزیع درآمد کمک می‌کنند (Khosrowabadi, et al., 2015).

شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های پانل در دو گروه کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ به بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد بیکاری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که اثر منفی و معناداری بین شاخص‌های حکمرانی خوب (به جز شاخص شفافیت و پاسخگویی و کیفیت مقررات تنظیمی در کشورهای در حال توسعه) و رشد بیکاری در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه وجود دارد (Shahabadi, et al., 2013).

نوآوری این پژوهش نسبت به سایر مطالعات را از سه جهت تکنیکی، منطقه‌ای و زمانی می‌توان سنجید. روش اقتصادسنجی مورد استفاده در این پژوهش که در سایر مطالعات مورد استفاده قرار نگرفته است، روش رگرسیون پانل کوانتایل پویا است؛ همچنین منطقه مورد بررسی در پژوهش حاضر، کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ است که این مناطق و بازه‌ی زمانی مدنظر کمتر در مطالعات قبلی استفاده شده است.

۳- مبانی نظری

تأثیر هر سیاست کلان اقتصادی با مطالعه تأثیر آن بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد بررسی شده است. در سال‌های اخیر سیاست‌ها به سمت کاهش سطح فقر و نابرابری از طریق کیفیت زندگی در جامعه با فراهم کردن حکمرانی مؤثر و کارآمد، هدایت شده است. این فلسفه جدید اقتصادی در تغییرات گسترده در جهت‌گیری سیاسی کشورها نتیجه گرفته است که اکنون اولویت بر موضوع حکمرانی متمرکز شده و به سمت ماهیت کیفی رشد و توسعه آن تغییر یافته است. چارچوب

حکمرانی به عنوان یکی از ضروریات برای رشد معنی‌دار و رفاه به یک فرایند پایدار در نظر گرفته شده است. چارچوب حکمرانی برای رشد اقتصادی پایدار همراه با سایر عوامل سیاسی مانند سیاست‌های دولت برای تخصیص منابع برای کاهش فقر و کاهش دادن نابرابری اقتصادی بسیار مهم است (Shafique & Haq, ۲۰۰۶). بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین در برگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (Faraji Dizji, Zighami Dahagani & Sadeghi Saqdel, 2023). حکمرانی خوب هنگامی آشکار می‌شود که یک کشور توانایی مشخصی برای امورات به طور مؤثر از طریق تبلیغات مناسب، سیاسی و نهادهای اقتصادی داشته باشد. علاوه بر این، حکمرانی خوب به افراد و گروه‌ها برای استفاده‌ی کامل از فرصت‌های منافع، حقوق و مسئولیت‌ها اجازه می‌دهد. بر این اساس، حکمرانی به عنوان فعالیت‌های قوی سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعریف شده است و بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار است (Alshammari, Alshuwaiee & Aleissa, ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، حکمرانی روشی برای اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور است. معیارهای حکمرانی خوب با توجه به شرایط هر کشور دارای وزن و روابط متفاوتی هستند. حکمرانی خوب در زمینه‌هایی از جمله سیاست‌گذاری شفاف، مدیریت حرفه‌ای، پاسخگویی دولت و جامعه مدنی قوی بازتاب دارد. همانطور که توسط بانک جهانی گفته شده است، دولت‌های عضو باید مکانیزم‌های تخصیص منابع خود را بهبود بخشند و سیاست‌هایی را برای بهبود روابط بین شهروندان و دولت به اجرا درآورند. شاخص حکمرانی و زیر مجموعه‌های بسیاری از کشورها توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی ارزیابی و رتبه‌بندی شده‌اند. شاخص‌های حکمرانی از نظر رشد و توسعه اقتصادی نقش بسیار مهمی در محیط اقتصادی دارند. نقش حکمرانی در شکل‌گیری قوانین، امنیت اقتصادی و اجتماعی و سایر شرایط ضروری این است که زمینه‌هایی را برای تولید کارآمد فراهم می‌کند که در نهایت بر رشد اقتصادی در هر کشور تأثیر می‌گذارد. در یک نشست مشترک از بانکداران و

مؤسسات تجاری کامدسوس^۵ حکمرانی خوب را این چنین تعریف کرد که مهم‌ترین شرط برای دستیابی به رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد در جامعه این است دولت به جای آن که به نفع بخش‌های خاصی از جامعه فعالیت کند باید به کل جامعه خدمت کند. شاخص‌های حکمرانی خوب نه تنها می‌توانند بلافاصله بر منافع افراد فقیر تأثیر بگذارند (به طور مثال، خدمات آموزشی و بهداشتی)، بلکه از طرفی می‌توانند بر توزیع ظرفیت کسب درآمد خانواده نیز تأثیر بگذارند و موجب شکل‌گیری توزیع مناسب درآمد در طی زمان شوند (Moradi & Salmanpour, ۲۰۱۷). بنابراین حکمرانی به عنوان یکی از ورودی‌های اساسی برای رفاه مردم در نظر گرفته شده است. بانک جهانی شاخص‌های حکمرانی را به شش مؤلفه تقسیم کرده است:

- حق اظهارنظر و پاسخگویی^۶: گرایش‌های روند سیاسی، آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی و استقبال رسانه‌ها را می‌سنجد، پاسخگویی یعنی اینکه شهروندان که در زندگی سیاسی از طریق انتخابات در تصمیمات عمومی شرکت می‌کنند (Mira & Hammadache, ۲۰۱۷).
- ثبات سیاسی و عدم خشونت^۷: این شاخص درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت، میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران فعلی را اندازه می‌گیرد (Moradi & Salmanpour, ۲۰۱۷).
- اثربخشی دولت^۸: این شاخص عملکرد دولت در انجام وظایف محوله مانند کیفیت تدوین و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و میزان استقلال خدمات عمومی از فشارهای سیاسی را می‌سنجد. انجام وظایفی مانند تأمین کالاها و خدمات عمومی و ایجاد زیر ساخت‌های فیزیکی ضروری برای تولید، آموزش‌های همگانی، که از طریق کاهش هزینه‌های معاملاتی موجب افزایش رقابت در اقتصاد، افزایش بهره‌وری و رشد کارآفرینی و در نهایت باعث ارتقاء سطح رفاه اجتماعی و بهبود توزیع درآمد در جامعه می‌شود (Shahabadi, Nilforooshan & Khaleghi, 2013).

⁵ Camdessus

⁶ Voice and accountability

⁷ Political stability and no violence

⁸ Government effectiveness

- حاکمیت قانون^۹: حاکمیت قانون یک سیستم با دوام از قوانین، نهادها، هنجارها و تعهد جامعه است که از برابری همه شهروندان در برابر قانون حمایت می‌کند، شکل حکومت غیر خودسرانه را تضمین می‌کند و به طور کلی مانع استفاده خودسرانه از قدرت (استبداد، مطلق‌گرایی، اقتدارگرایی و...) می‌شود. به عبارتی، میزان احترام قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهایی با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات را می‌سنجد. همچنین برای هدایت صحیح منابع سرمایه‌گذاری مولد، به حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها توجه کرده که منجر به افزایش تولید و اشتغال و در نهایت موجب بهبود توزیع درآمد می‌شود (Khosrowabadi, Zayandehroudi & Shakibaei, 2016).
- کیفیت قوانین و مقررات^{۱۰}: این شاخص بر سیاست‌هایی که برای بازار مناسب یا نامناسب تمرکز کرده است، از جمله سیاست‌های مانند کنترل کردن قیمت‌ها، نظارت بر واردات و صادرات، نبود نظارت کافی بر سیستم بانکی. همچنین این شاخص به درک بهتر وضعیت تجاری برای سرمایه‌گذاران خارجی کمک می‌کند (Mira & Hammadache, ۲۰۱۷).
- کنترل فساد^{۱۱}: بیانگر استفاده از قدرت و امکانات عمومی برای کسب منافع شخصی می‌باشد؛ به طوری که گوپتا، داوودی، و الونسو-ترمه (۱۹۹۸)^{۱۲} نشان دادند که فساد از راه‌هایی از قبیل کاهش رشد، مالیات‌های تنازلی، هدف‌گیری ناکارآمدتر طرح‌های اجتماعی، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می‌دهد (Zayandehroudi, Khosrowabadi & Shakibaei, 2017). فساد می‌تواند نقش مهم و بزرگی در هر اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه داشته باشد، از جمله می‌توان به نقش آن در توزیع درآمد اشاره کرد.

⁹ Rule of law

¹⁰ Regulatory Quality

¹¹ Control of corruption

¹² Gupta, Davoodi and Alonso-Terme(1998)

فساد را می‌توان به سه فعالیت تقسیم کرد: رشوه‌خواری، اخاذی و اختلاس. در مورد فساد دولتی (عمومی) - خصوصی (شخصی)؛ فساد را می‌توان انتقال از یک شخص به یک مقام رسمی خاص تلقی کرد. در مورد فساد عمومی؛ فساد را می‌توان انتقال مردم به برخی مقامات دولتی دانست یا مقامات دولتی که رشوه یا وجوهی دریافت می‌کنند. این می‌تواند به نابرابری درآمد بالا در میان مردم، به ویژه در سطوح متوسط و پایین جامعه منجر شود. در اجرای رشوه و اخاذی، مردم ثروتمند گزینه‌ها و منابع بیشتری برای پرداخت هزینه‌های اخاذی، رشوه و نظارت بر مقامات دولتی نسبت به افراد فقیرتر دارند (Dwiputri, Arsyad & Pradiptyo, ۲۰۱۸). فساد زمانی رخ می‌دهد که بخش‌های عمومی و خصوصی با هم مواجه می‌شوند. هرگاه یک مقام دولتی قدرت و اختیار بر توزیع منافع و هزینه‌ها به بخش خصوصی داشته باشد، مشوق‌هایی برای رشوه‌خواری ایجاد می‌کند. بنابراین، فساد به بزرگی منافع و هزینه‌های تحت کنترل مقامات دولتی بستگی دارد. افراد و شرکت‌های خصوصی حاضر به پرداخت رشوه برای به دست آوردن این منافع و جلوگیری از هزینه‌ها هستند (Rahmani & Isfahani, 2016). هرگز ارتباط میان کنترل فساد و توزیع مناسب درآمد را نمی‌توان قاطعانه بیان کرد، زیرا عوامل متعددی در کیفیت این ارتباط وجود دارند که گاه به عنوان منشأ ایجاد فساد مالی و گاه به عنوان نتیجه فساد مالی شناخته شده‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به دیوان سالاری ناکارآمد، فقدان حاکمیت قانون، ناکارایی نظام قضایی، کیفیت بد قوانین و مقررات و ... اشاره کرد که بیشتر در کشورهای توسعه نیافته مشاهده می‌شود، می‌توانند مشوق کارگزاران بخش خصوصی باشند تا برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری، به سمت فساد مالی سوق داده شوند و شرایط بهبود توزیع درآمد را مهیا کنند. اما از طرفی پدیده‌هایی چون ایجاد اختلال در تخصیص مناسب کالاهای عمومی، هدایت غیر بهینه نخبگان جامعه میان کارآفرینی و رانت‌جویی، کاهش مشروعیت دولت‌ها در ایجاد نهادهای حامی بازار می‌توانند به عملکرد مناسب هر اقتصادی اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه آسیب رسانده و در نهایت نابرابری درآمد را افزایش دهد (Moradi & ۲۰۱۷). (Salmanpour,

۴- روش تحقیق

برآورد مدل داده‌های پانل پویا از طریق رویکرد رگرسیون کوانتایل در دهه اخیر به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این نوع از مدل‌هایی است که از طریق قرار دادن مقادیر با وقفه متغیر وابسته گرفته می‌شود. در نتیجه این امکان وجود دارد که اثر پویا برای دو بُعد زمان و مقطع تعریف شود (Elhoussainy, Ahmed & Hossameldin, 2018). از نقدهایی که بر حداقل مربعات (ols) سنتی وارد است این است که تنها تقریبی از میانگین شرطی توزیع ارائه می‌کند و در نتیجه توصیف ناقصی از توزیع شرطی ارائه می‌دهد. از این رو، رگرسیون کوانتایل که توسط کونکر و باست^{۱۳} (۱۹۷۸) معرفی شد، حداقل مربعات کلاسیک را به مدل‌هایی برای توابع کوانتایل شرطی تعمیم می‌دهد و تخمین توابع کوانتایل شرطی که هر یک از آنها رفتار یک نقطه خاص در توزیع شرطی را مشخص می‌کند، امکان‌پذیر می‌سازد و بنابراین توزیع شرطی را نشان می‌دهد. به عبارتی، بررسی توابع رگرسیون کوانتایل در تمام محدوده‌های τ ، توصیف کامل‌تری از رابطه بین X و Y فراهم می‌کند. برای توابع حداقل مربعات، مجذور خطاها با توجه به میانگین شرطی به حداقل می‌رسد، در حالی که توابع کوانتایل با به حداقل رساندن مجموع وزنی نامتقارن خطاهای باقیمانده تخمین زده می‌شوند. از این رو نسبت به خطاهای ناهمسانی واریانس، داده‌های پرت متغیر وابسته و یا زمانی که جملات خطا غیر نرمال هستند، غیر حساس است. همچنین، هانگ، شانگ و وانگ^{۱۴} (۲۰۱۰) بحث می‌کنند که علاوه بر توصیف کامل توزیع شرطی، مدل‌های رگرسیون کوانتایل از یک نمایش برنامه ریزی خطی استفاده می‌کند که انجام بررسی‌ها را ساده می‌سازد. برای متغیر تصادفی Y ، چند τ th توسط مقدار Y تعریف می‌شود به طوری که احتمال یافتن Y کوچک‌تر، مقداری کم‌تر از τ باشد، و احتمال یافتن Y بزرگ‌تر، مقداری کم‌تر از τ باشد. به طور مشابه، تابع رگرسیون کوانتایل τ th یعنی $B(\tau)$ ، به یک تابع خطی یا درجه دو از طریق داده‌ها برازش می‌شود بطوری که تقریباً τ نسبت مشاهدات کم‌تر از $B(\tau)$ و $1 - \tau$ نسبت مشاهدات بیشتر از $B(\tau)$ باشد. تخمین $b(\tau)$ از $B(\tau)$ از طریق به حداقل رساندن مقادیر مطلق باقیمانده‌هایی به دست می‌آید که در آن باقیمانده‌های مثبت به وزن‌های برابر با τ

¹³ Koenker & Bassett

¹⁴ Hung, Shang & Wang

و باقیمانده‌های منفی به وزن‌های برابر با $1 - \tau$ است. رگرسیون کوانتایل پایه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$y_i = x_i' \beta_\theta + u_{\theta i} \quad \text{with} \quad \text{Quant}_\theta(y_i | x_i) = x_i' \beta_\theta \quad (1)$$

که در آن x_i نشان‌دهنده بردار رگرسورها است، β_θ برداری از پارامترها را نشان می‌دهد که تخمین زده می‌شود، و $u_{\theta i}$ برداری از باقیمانده‌ها است $\text{Quant}_\theta(y_i | x_i)$ که θ چندک شرطی y_i بر x_i داده‌شده را نشان می‌دهد. θ چندک رگرسیون، مسأله زیر را حل می‌کند:

$$\min \beta = \sum_i \theta |y_i - x_i' \beta| + \sum_i (1 - \theta) |y_i - x_i' \beta| = \min \beta \sum_i \rho_\theta u_{\theta i}, \theta \in (0, 1) \quad (2)$$

جایی که ρ_θ به عنوان "تابع کنترل" شناخته می‌شود و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\rho(\varepsilon) = \begin{cases} \theta \varepsilon & \text{if } \varepsilon \geq 0 \\ (\theta - 1) \varepsilon & \text{if } < 0 \end{cases}$$

معادله (۲) با تکنیک برنامه‌ریزی خطی حل می‌شود. رگرسیون میانه، که یک مورد خاص از رگرسیون کوانتایل است، با جایگذاری $u(\tau) = 0.5$ بدست می‌آید. مقدار دیگر توزیع شرطی را می‌توان از طریق تغییر $u(\tau)$ بدست آورد (McCord, Haran, Davis & McCord, 2020).

۲-۴- معرفی متغیرهای مورد استفاده در مدل

در این مطالعه با استفاده از داده‌های پانلی پویا، روابط پویا با حضور متغیر وابسته وقفه‌دار در میان متغیرهای توضیحی مدل‌سازی می‌شود. در این حالت همانطور که بیان شد برآوردهای حداقل مربعات معمولی مناسب نیست و بر اساس روش رگرسیون پانل کوانتایل پویا به بررسی اثر حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته شده است. برای این منظور مدل مورد بررسی که به تبعیت از مدل مقالات یولیو و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۶) و مرادی و سلمانپور (۱۳۹۶) می‌باشد، به شرح زیر است:

¹⁵ Güloğlu, et al.

$$QGINI_{it}(\tau|X_{it}) = \beta_1(\tau)(gini_{i,t-1}) + \beta_2(\tau)(gdpp_{it}) + \beta_3(\tau)(inf_{it}) + \beta_4(\tau)(tr_{it}) + \beta_5(\tau)(ps_{it}) + \beta_6(\tau)(rl_{it}) + \beta_7(\tau)(cc_{it}) + \mu_{it} \quad (3)$$

در این الگو i مقاطع و t دوره زمانی را نشان می‌دهد و علاوه بر متغیرهای اصلی، متغیرهای درآمد‌های مالیاتی، تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم به عنوان متغیرهای ابزاری به کار رفته‌اند. همچنین، به دلیل عدم دسترسی به داده‌های مربوط کشورهای منتخب و برآورد نتایج بهتر، از بین شش شاخص‌های حکمرانی خوب از سه شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت، حاکمیت قانون و کنترل فساد استفاده شده است. بنابراین متغیرهای به کار رفته در این مطالعه شامل ۷ متغیر (۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته) به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱. متغیرهای مورد استفاده در مدل و علامت انتظاری
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 1. Variables used in the model and the expected sign

Source: Research Findings

علامت انتظاری	متغیر	علامت اختصاری	
وابسته	ضریب جینی (شاخص نابرابری درآمد)	Gini	متغیر وابسته
-	تولید ناخالص داخلی سرانه	gdpp	متغیرهای بیرونی (اقتصاد کلان)
نامعلوم	نرخ تورم انتظاری	INF	
نامعلوم	درآمدهای مالیاتی	tr	
نامعلوم	ثبات سیاسی و عدم خشونت	ps	
-	حاکمیت قانون	rl	
+	کنترل فساد	cc	

به منظور بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد از داده‌های کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات لازم برای پژوهش از طریق سایت‌های اینترنتی از جمله WDI¹⁶(2019) و WGI¹⁷(2018) طی دوره زمانی ۲۰۰۰- ۲۰۱۷

¹⁶ World Development Indicator(WDI)

¹⁷ Worldwide Governance Indictors(WGI)

استخراج شده است. در این پژوهش به دلیل در دسترس نبودن داده‌های تمام کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، کشورهای منتخب به صورت جدول ۲ و جدول ۳ دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۲. کشورهای منتخب توسعه یافته
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 1. Selected developed countries

Source: Research Findings

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کشور	فرانسه	فنلاند	آلمان	ایتالیا	دانمارک	انگلستان	نروژ	مجارستان	لتونی

جدول ۳. کشورهای منتخب در حال توسعه
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 2. Selected developing countries

Source: Research Findings

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
کشور	ارمنستان	ایران	اوکراین	بلغارستان	بلاروس	گرجستان	رومانی

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- آزمون مانایی

در این بخش، مانایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین-لین-چو^{۱۸} با روند زمانی استفاده شده است.

لوین-لین-چو نشان دادند که در داده‌های ترکیبی، استفاده از آزمون ریشه واحد مربوط به این داده‌ها، قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه دارد. از این رو در این پژوهش، از آزمون لوین-لین-چو برای بررسی مانایی متغیرها استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در تمام پانل‌ها است.

¹⁸ Levin-Lin-Chu

چنانچه ارزش احتمال^{۱۹} محاسبه شده کمتر از پنج درصد باشد، فرضیه‌ی صفر برای آن متغیر رد می‌شود. خلاصه نتایج آزمون مانایی متغیرها در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون ریشه واحد
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 3. Unit root test

Source: Research Findings

درجه مانایی	کشورهای در حال توسعه		درجه مانایی	کشورهای توسعه یافته		متغیرها
	آماره	احتمال		آماره	احتمال	
I(0)	-۲/۹۰	۰/۰۰	I(0)	-۴/۹۰	۰/۰۰	Gini
I(0)	-۲/۰۶	۰/۰۱	I(0)	-۳/۳۳	۰/۰۰	Gdpp
I(0)	-۳/۹۹	۰/۰۰	I(0)	-۳/۸۵	۰/۰۰	Inf
I(0)	-۱/۸۷	۰/۰۳	I(0)	-۲/۵۰	۰/۰۰	Tr
I(0)	-۳/۴۱	۰/۰۰	I(0)	-۴/۰۴	۰/۰۰	Ps
I(0)	-۲/۹۳	۰/۰۰	I(0)	-۴/۱۶	۰/۰۰	Rl
I(0)	-۳/۰۱۲	۰/۰۰	I(0)	-۲/۱۹	۰/۰۱	Cc

با توجه به نتایج جدول ۴، فرضیه‌ی صفر آزمون مانایی برای متغیرهای پژوهش رد شده است و متغیرهای الگو مانا هستند.

۵-۲- برآورد مدل

برای برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد از داده‌های ترکیبی و رگرسیون پانل کوانتایل پویا و از نرم‌افزار Stata15 استفاده شده است. داده‌های ترکیبی به دلیل نشان دادن تغییرات زمانی و مقطعی، می‌تواند اطلاعات بیشتری را پوشش دهد. بسیاری از نکاتی که در تحلیل سری‌های زمانی قابل مشاهده نیستند، در تحلیل داده‌های ترکیبی مشخص می‌شوند؛ به ویژه ناهمگنی‌هایی که معمولاً در تحلیل سری‌های زمانی از آنها چشم پوشی می‌شود و قابل مشاهده نیستند، در تحلیل داده‌های ترکیبی امکان بررسی آنها وجود دارد (Zayandehroudi)

¹⁹ P-Value

(et al., 2017). بعد از نتایج آزمون مانایی، به نتایج حاصل از برآورد مدل به صورت زیر پرداخته می‌شود:

جدول ۵. نتایج برآورد رگرسیون پانل کوانتایل پویا برای کشورهای توسعه یافته
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 4. Results of dynamic quantile panel regression estimation for developed countries

Source: Research Findings

Qrpd75	Qrpd50	Qrpd25	متغیرها
۰/۸۶ (۶۱/۴۸)	۰/۸۶ (۶۸/۹۵)	۰/۷۵ (۱۳۸/۹۱)	Gini _{i, t-1}
-۰/۰۰۰ (-۳/۱۹)	-۰/۰۰۰ (-۱۰/۸۸)	-۵/۴۹ (-۵/۰۵)	Gdpp
-۱/۶۴ (-۱۲/۹۱)	-۳/۵۱ (-۷/۳۷)	۵/۸۶ (۱۴/۵۷)	Inf
۰/۰۴ (۷/۶۹)	-۰/۰۰۶ (-۲/۵۰)	-۰/۰۰۷ (-۴/۶۹)	Tr
۰/۰۱ (۲/۲۲)	-۰/۰۰۵ (-۳/۴۷)	-۰/۰۲ (-۲۳/۱۹)	Ps
-۰/۰۴ (-۲/۱۷)	-۰/۰۲ (-۴/۹۶)	-۰/۰۴ (-۹/۳۱)	RI
۰/۰۴ (۲/۳۶)	۰/۰۱ (۳/۷۱)	۰/۰۲ (۵/۷۴)	Cc

مقادیر درون پرانتز نشان‌دهنده آماره Z می‌باشند و اعداد همگی در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد معنادار هستند.

The values in parentheses represent the statistic z, and the numbers are all significant at the levels of ۱, ۵, and ۱۰%.

با توجه به نتایج برآورد رگرسیون پانل کوانتایل پویا در کشورهای توسعه یافته می‌توان بیان کرد که در هر سه چارک متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و حاکمیت قانون اثر منفی و کنترل فساد اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارند. متغیرهای درآمدهای مالیاتی و ثبات سیاسی در چارک‌های ۲۵ و ۵۰ اثر منفی و در چارک ۷۵ اثری مثبت و معناداری دارند و همچنین نرخ تورم در چارک ۲۵ اثر مثبت و در دو چارک بعدی اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد دارد.

بنابراین، می‌توان گفت که در کشورهای منتخب توسعه یافته از بین متغیرهای ابزاری و شاخص‌های حکمرانی خوب، متغیرهای نرخ تورم و حاکمیت قانون بیشترین تأثیر را بر نابرابری درآمد دارند.

جدول ۶. نتایج برآورد رگرسیون پانل کوانتایل پویا برای کشورهای در حال توسعه
مأخذ: یافته‌های پژوهش

Table 5. Results of dynamic quantile panel regression estimation for developing countries

Source: Research Findings

Qrpd75	Qrpd50	Qrpd25	متغیرها
۰/۹۸ (۲۷۹/۹۱)	۰/۹۴ (۲۵۶/۳۵)	۰/۸۷ (۲۰۶/۵۳)	Gini _{i, t-1}
-۰/۰۰۰ (-۱۵/۱۲)	-۰/۰۰۰ (-۳/۵۷)	۰/۰۰۰ (۱۵/۳۰)	Gdpp
۰/۰۰۶ (۵/۱۱)	-۰/۰۱ (-۱۵/۹۱)	-۰/۰۲ (-۸/۹۵)	Inf
۰/۰۲ (۱۶/۲۴)	۰/۰۱ (۱۱/۰۱)	۰/۰۱ (۳/۲۷)	Tr
۰/۰۱ (۱۱/۸۴)	-۰/۰۱ (-۱۱/۴۹)	-۰/۰۴ (-۲۳/۲۹)	Ps
-۰/۰۰۶ (-۵/۹۸)	-۰/۰۰۸ (-۹/۱۲)	-۰/۰۳ (-۱۳/۸۰)	RI
۰/۰۲ (۱۶/۸۱)	۰/۰۲ (۲۹/۲۲)	۰/۰۳ (۱۲/۷۹)	Cc

مقادیر درون پرانتز نشان‌دهنده آماره Z می‌باشند و اعداد همگی در سطوح ۱، ۵ و ۱۰ درصد معنادار هستند.

The values in parentheses represent the statistic z, and the numbers are all significant at the levels of 1, 5, and 10%.

طبق جدول ۶، نتایج تخمین مدل در کشورهای منتخب در حال توسعه مشاهده می‌شود که در هر سه چارک فوق متغیرهای درآمدهای مالیاتی و کنترل فساد اثر مثبت و حاکمیت قانون اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد دارند. متغیرهای نرخ تورم و ثبات سیاسی در چارک‌های ۲۵ و ۵۰ اثر منفی و در چارک ۷۵ اثری مثبت دارند و همچنین تولید ناخالص داخلی اثر نامشخص و بسیار ناچیزی بر نابرابری درآمد دارد. بنابراین، در کشورهای منتخب در حال توسعه از بین متغیرهای

ابزاری و شاخص‌های حکمرانی خوب، متغیرهای درآمدهای مالیاتی و کنترل فساد بیشترین تأثیر را بر نابرابری درآمد دارند.

با توجه به جداول برآورد رگرسیون پانل کوانتایل پویا در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، می‌توان اثرات متغیرهای به‌کار رفته در مدل را به صورت زیر بیان کرد: تولید ناخالص داخلی سرانه نماینده‌ای مناسب از سطح درآمد ملی است و درآمد سرانه که می‌تواند به عنوان شاخص توسعه یافتگی به حساب آید، در کشورهای توسعه یافته اثر منفی و معناداری دارد که بیشترین اثر را در چارک ۲۵ و در چارک‌های بعدی اثر ناچیزی دارد، در حالی که این متغیر در کشورهای در حال توسعه اثر نامشخص و ناچیزی بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) دارد.

اگر سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات افزایش یابد، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد و منجر به کاهش درآمدهای واقعی گروه‌های با درآمد ثابت مانند کارمندان و کارگران می‌شود و سطح رفاه این اقشار را کاهش می‌دهد اما از طرفی افزایش نرخ تورم منجر به افزایش ارزش دارایی‌های ثابت ثروتمندان می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که افزایش نرخ تورم باعث افزایش ثروت ثروتمندان و کاهش درآمد واقعی گروه‌های با درآمد ثابت می‌شود و در واقع منجر به افزایش نابرابری درآمد و اختلاف طبقاتی در جامعه خواهد شد، به طوری که در کشورهای توسعه یافته در چارک ۲۵ و در کشورهای در حال توسعه چارک ۷۵ اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد.

اثر مالیات بر توزیع درآمد به عوامل زیادی از جمله به نوع سیستم مالیاتی انتخاب شده در اقتصاد، بود و نبود فرار مالیاتی، نرخ‌های مالیاتی، ساختار بودجه‌ای، مخارج دولت و ... بستگی دارد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختار بودجه‌ای، مخارج دولت، فرار مالیاتی و به ویژه این که در مالیات‌های غیر مستقیم نرخ واحدی برای تمام معاملات مشمول مالیات در نظر می‌گیرند و از آنجایی که میل نهایی افراد کم درآمد به مصرف کالاها و خدمات بیشتر از افراد پر درآمد است، سبب بدتر شدن توزیع درآمد خواهد شد. طبق جداول نتایج برآورد مدل، در کشورهای در حال توسعه یافته درآمدهای مالیاتی اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد و این می‌تواند به دلیل موارد ذکر شده در این گروه از کشورها باشد. در حالی که در کشورهای توسعه یافته در چارک ۲۵ و ۵۰ اثر منفی و در چارک ۷۵ اثر مثبت و معناداری دارد.

طبق نتایج برآورد مدل، در هر دو گروه کشورهای منتخب، ضریب شاخص ثبات سیاسی نشان می‌دهد که در چارک‌های ۲۵ و ۵۰ این شاخص رابطه منفی و معکوس و در چارک ۷۵ در هر دو گروه کشورها، اثر مثبت و مستقیمی بر نابرابری درآمد دارد. در دو چارک اول می‌توان گفت که با بی‌ثباتی سیاسی، انگیزه پس‌انداز ضعیف و مصرف‌گرایی تقویت می‌شود که در نهایت منجر به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری مجدد خواهد شد. زمانی که در جامعه بی‌ثباتی سیاسی وجود داشته باشد صاحبان سرمایه ترجیح می‌دهند که سرمایه‌گذاری خود را به آینده موکول کنند و این منجر به کاهش رشد اقتصادی و به دنبال آن افزایش نابرابری درآمد خواهد شد.

یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب، حاکمیت قانون است که طبق نتایج برآورد مدل، در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه در تمام چارک‌ها اثر منفی و معکوسی بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) دارد. ضریب این شاخص در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته کمتر است و این می‌تواند به دلیل نداشتن وزارت دادگستری و قوه قضاییه قاطع و مستقل از فشارهای سیاسی و دستگاه دولتی و بی‌عدالتی و همچنین حمایت نکردن از حقوق مالکیت معنوی باشد که منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، کاهش تولید، افزایش بیکاری و در نهایت توزیع نابرابر درآمد در این کشورها شود.

طبق نتایج جداول برآورد مدل در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، در تمام چارک‌ها شاخص کنترل فساد که یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) دارد. این نتیجه مطابق مطالعات، مرادی و سلمانپور (۱۳۹۶)، ادیب پور و محمدی (۱۳۹۵)، زاینده‌رودی و همکاران (۱۳۹۶)، جو هانگ و هونگ هو (۲۰۱۸)^{۲۰} و می و لیو^{۲۱} (۲۰۱۴) است. به دلیل قوانین و مقررات ناکارآمد و یا اتخاذ سیاست‌های نامناسب در کشورها و افزایش سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی به خصوص در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش فعالیت‌ها به سمت بخش خدمات شده و از طریق پیمانکاری و ارائه کالاها و خدمات به بخش دولتی، انحصارات دولتی برای منافع شخصی دولتمردان به وجود می‌آید و با قدرت انحصاری، تقاضای رشوه و رانت افزایش خواهد یافت. از طرفی افزایش

²⁰Ju Huang and Hong Ho

²¹ Mi and Liu

نامنی و نااطمینانی اقتصادی منجر به خروج سرمایه از کشورها، کاهش درآمد ملی و توزیع نابرابر درآمد می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری

توزیع درآمد و ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی از اهداف اصلی اقتصادی است که بیشتر کشورها در پی آن هستند. توزیع نابرابر بیشتر از بی‌عدالتی اقتصادی، فرصت‌های نابرابر و بی‌ثباتی اجتماعی نشأت می‌گیرد و همچنین از بی‌ثباتی سیاسی، نابرابری قدرت سیاسی و بحران‌های مالی به وجود می‌آید. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمد که می‌تواند منجر به اقدامات مناسب کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به رشد اقتصادی آنها کمک کند، مهم و ضروری است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه؛ با تأکید بر کنترل فساد به روش پانل کوانتایل پویا طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۰ بود. با توجه به نتایج می‌توان اثرات شاخص‌های حکمرانی خوب بر نابرابری درآمد به صورت زیر بیان کرد:

شاخص‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد در هر دو گروه کشورهای منتخب و در تمام چارک‌ها به ترتیب اثرات منفی و مثبت معناداری بر نابرابری درآمد دارند. تأثیر منفی حاکمیت قانون بر نابرابری درآمد بیانگر این است که با بهبود حاکمیت قانون و با اتخاذ قوانین مناسب و قوانین با ثبات، نابرابری درآمد در این کشورها کاهش می‌یابد و مثبت بودن اثر کنترل فساد بر نابرابری درآمد در این دو گروه کشورها می‌تواند نتیجه‌ی اتخاذ سیاست‌های نامناسب و هدایت کردن بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بخش خدمات به بخش‌های دولتی باشد که منجر به افزایش یافتن قدرت انحصاری دولتمردان و ایجاد محیطی نااطمینان و ناامن اقتصادی برای سرمایه‌گذاری می‌شود که در نهایت خروج سرمایه از کشورها، کاهش تولید و درآمد ملی و افزایش نابرابری درآمد در این کشورها را به دنبال دارد.

همچنین ضریب شاخص ثبات سیاسی نشان می‌دهد که در دو چارک اول در هر دو گروه کشورها، اثر منفی و معناداری بر نابرابری درآمد (ضریب جینی) دارد و این می‌تواند به این معنا باشد که با بی‌ثباتی سیاسی، انگیزه سرمایه‌گذاری ضعیف و مصرف‌گرایی در این جوامع تقویت شود که در نتیجه منجر به کاهش تولید و نابرابری درآمد می‌شود. این در حالی است که در چارک

سوم در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه، شاخص ثبات سیاسی تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد، به این معنا که با افزایش ثبات سیاسی توزیع درآمد برابرتر می‌شود.

از بین متغیرهای ابزاری به کار رفته شده در این مطالعه، متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه اثر ناچیز و بسیار کمی بر نابرابری درآمد در هر دو گروه کشورها دارد. درآمدهای مالیاتی در کشورهای توسعه یافته به دلیل نرخهای مالیاتی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی و هزینه کردن مناسب درآمدهای مالیاتی در جهت رفاه و امنیت عمومی، نظارت کافی بر سیستم مالیاتی این کشورها منجر به افزایش امنیت اقتصادی، رونق کسب و کار، افزایش تولید و درآمد ملی می‌شود که در نتیجه نابرابری درآمد در این کشورها را کاهش می‌دهد. این در حالی است که درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه در تمام چارک‌ها اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد و این می‌تواند به دلیل کارایی ضعیف سیستم مالیاتی، اخذ مالیات از اقشار کم درآمد یا از گروه‌های با درآمد ثابت از جمله کارمندان و کارگران در این کشورها باشد که منجر به فرار مالیاتی افراد با درآمدهای بالا می‌شود و در نهایت افزایش نابرابری درآمد در این کشورها را به دنبال دارد. همچنین نرخ تورم در کشورهای توسعه یافته در چارک اول اثر مثبت و در چارک‌های دوم و سوم اثر منفی و در کشورهای در حال توسعه در چارک‌های اول و دوم اثر منفی و در چارک سوم اثر مثبت و معناداری بر نابرابری درآمد دارد. ضریب این متغیر در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است، در واقع طبق ضرایب نرخ تورم اثرگذاری این متغیر بر نابرابری درآمد در کشورهای توسعه یافته بیشتر است.

با توجه به اثر مثبت کنترل فساد بر نابرابری درآمد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌ها و راه‌های مبارزه با فساد بررسی شود و نظارت کافی و دقیق بر اجرای این سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای کاهش فساد صورت گیرد، چرا که با اتخاذ سیاست‌های نامناسب و نبود نظارت کافی نه تنها فساد کنترل نمی‌شود بلکه منجر به ناامنی اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش نابرابری درآمد در این کشورها می‌شود.

طبق ضریب منفی شاخص حاکمیت قانون در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه، می‌توان توصیه کرد که این کشورها برای کاهش نابرابری درآمد یک سیستم قضایی کارآمد و مستقل از فشارهای سیاسی و در جهت دفاع از حقوق مالکیت با هدف تقویت انگیزه

سرمایه‌گذاری، نوآوری و ایجاد محیط رقابتی برای فعالان اقتصادی و اجتماعی برقرار کنند تا در نهایت باعث افزایش درآمد ملی و کاهش نابرابری در این کشورها شود.

با توجه به این که درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه ضریب مثبتی دارد، پیشنهاد می‌شود که این کشورها نرخ‌های مالیاتی را متناسب با فعالیت‌های اقتصادی در نظر بگیرند و اخذ مالیات از اقشار جامعه عادلانه و متناسب با درآمدها باشد به طوری که اختلاف طبقاتی به حداقل برسد، سیاست‌های لازم برای جلوگیری از فرار مالیاتی صورت گیرد و همچنین درآمدهای مالیاتی را در جهت رفاه عمومی و امنیت اجتماعی هزینه کنند تا با افزایش امنیت اقتصادی و اجتماعی، درآمد ملی افزایش و نابرابری درآمد در این کشورها کاهش یابد.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The author(s) received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Referenc

- Adibopour, M., & Mohammadi Viaei, A. (2015). The Effect of Corruption on Income Distribution Inequality. *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, 14 (4), 168 -153. [In Persian]
- Alshammari, N., Alshuwaiee, W., & Aleissa, N. (2019). Does “Good” Governance Promote Economic Growth According to Countries’ Conditional Income Distribution. *Journal of reviews on Global Economics* (8), 1-16.
- Bhagat, S., & Wittry, M. (2020). Economic Growth, Income Inequality, and the Rule of Law. *Harvard Business Law Review*.
- Badesar, S. N., Ahmadi, S. M. S., & Mobranjnhad, A. S. (2020). Assessment of Good governance Indicators in the Water Sector. *J. Env. Sci. Tech.*, 22(2), 86- 275.
- Bojanic, A. N., & Collins, L. A. (2019). Differential effects of decentralization on income inequality: evidence from developed and developing countries. *Empirical Economics*, 1-36.
- Chiu, Y- B., & Lee, C-C. (2019). Financial development, income inequality, and country risk. *Journal of International Money and Finance*, 1-46.

- Dwiputri, I. N., Arsyad, L., & Pradiptyo, R. (2018). The corruption-income inequality trap: a study of Asian countries. *Economics Discussion Paper* (18), 1- 24.
- Epstein, G. S., & Gang, I. N. (2019). Inequality, good governance, and endemic corruption. *International Tax and Public Finance*, 1-19.
- Elhoussainy, A. R., Ahmed, A. E., & Hossameldin, M. A. (2018). Estimating Quantile Regression for Dynamic Panel Data using two-stage approach. *Far East Journal of Mathematical Sciences (FJMS)* (103(2)), 451-465.
- Faraji Dizji, S., Zighami Dahagani, F., & Sadeghi Saqdel, H. (2023). Effects of natural resource rent and good governance on happiness in selected countries (Generalized moment approach). *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, (2)20, 1- 31. <https://doi.org/10.22055/jqe.2020.31073.2146> [In Persian].
- Huang, Ch- Ju., & Haong Ho, Y. (2018). The Impact of Governance on Income Inequality in Ten Asian Countries. *Journal of Reviews on Global Economics*(7), 217- 224.
- Khosrowabadi, M., Zayandehroudi, M., & Shakibaei, A. (2015). The relationship between good governance and income inequality in selected countries of Southwest Asia and member countries of the Organization for Economic Cooperation and Development. *Social Welfare Quarterly*, 16 (61), 212-181 <http://refahj.uswr.ac.ir/article-۱-۲۵۶۹-fa.html> [In Persian].
- McCord, M., Haran, M., Davis, P., & McCord, J. (2020). Energy performance certificates and house prices: A quantile regression approach. *Journal of European Real Estate Research*.
- Moradi, E., Rahnama, A., & Heidarian, S. (2017). The Impact of Good Governance Indices on Corruption Control (Case Study: Middle East and Southeast Asia). *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 14 (4), 182-151. <https://doi.org/10.22055/jqe.2018.22775.1679> [In Persian].
- Moradi, M., & Salmanpour, A. (2017). The effect of good governance on income distribution in selected member countries of the Organization of Islamic Cooperation. *Sociology of Social Institutions*, 4 (10), 59-33. Doi:10.22080/ssi.2018.1734 [In Persian].
- Mira, R., & Hammadache, A. (2017). Relationship between good governance and economic growth: A contribution to the institutional debate about state failure in developing countries. *Center d' economie de L' Universite Paris Nord (CEPN)*, 1-21.

- Oueslati, A., & Labidi, M., A. (2015). Growth, Inequality and Governance: A case of MENA countries. *SSRG International Journal of Economics and Management Studies (SSRG-IJEMS)* (2(4)), 1-7.
- Rahmani, T., & Isfahani, P. (2015). Investigating the Factors Affecting the Formation of Corruption with Emphasis on the Combination of Economic Activities. Study of Developing Countries, *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 78(24), 228-207. <http://qjerp.ir/article-1-1287-fa.html> [In Persian].
- Shahabadi, A., Nilforoshan, N., & Khaleghi, M. (2013). The Impact of Governance on Unemployment Growth in Selected Developed and Developing Countries. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 65(21), 164-147. <http://qjerp.ir/article-1-618-fa.html> [In Persian].
- Shafique, S., & Haq, R. (2006). Governance and Income Inequality. *Pakistan development review* (45(4)), 751-760.
- Zayandehroudi, M., Khosrowabadi, M., & Shakibaei, A. (2017). Investigating the Impact of Good Governance Indices on Income Distribution Using Data Panel (Case Study: Selected Countries of Southwest Asia). *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 3 (17), 52-25. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-8785-fa.html> [In Persian].